

آمادگی برای طوفان در راه

مجید پهلوان

www.MajidPahlavan.com

به عنوان اسب تروای سرمایه قصد دارند تا به قلعه و برج و با روی مبارزات طبقه کارگر و صفوف زحمتکشان به جان آمده ایران هجوم ببرند. در این حال مجدداً از نامی سوء استفاده می کنند (فدائی) که شانه های نحیف و وامانده اشان طاقت سنگینی آن را ندارند. در این لحظه آنان جداً در جهت سیاستهای سرمایه بین الملل یعنی ارباب راستین جمهوری اسلامی تلاشی میکنند تا ایران را از تکان های خارج از خواست انحصارات امپریالیستی دور نگه دارند و مجدداً دور دیگری از دست عوض کردن حاکمیت سیاسی در میهن را شاهد باشیم.

از فردای سرنگونی پهلوی دوم و قدرت گیری اسلام سیاسی و سرکوب مستمر و روزانه آزادی خواهان و بویژه نیروهای سیاسی چپ، بخش سنتی و توده ای هوادار مسکو خواستار هرچه بیشتر دولتی نمودن اقتصاد ایران بود که همین زمینه مشترک و محکمی در رابطه آنها با اسلام سیاسی و سردمداران جناح مسلط جمهوری اسلامی بود. که این دومی از این در پیوستگی چپ نهادهای طرفدار مسکو تا جایی سود برد که توانست به کمک همه جانبه این جماعت مردم فروش سلاخی همه جانبه ای از نیروهای انقلابی چپ را به انجام رساند. در همین راستا و در دو دهه اخیر و پایگیری اصلاح طلبان طرفدار اقتصاد بازار و سیاست های ارباب سرمایه بین الملل، و با سقوط اتحاد شوروی، لذا نیروهای سینه چاک مسکو و اقتصاد دولتی سرمایه داری و متحدین جمهوری اسلامی با تغییر جهت صد و هشتاد درجه ای بسوی تأیید خط انحصارات و سینه زدن زیر علم نئولیبرالیسم شتافتند. اگر تا دیروز این سمت گیری را زیرمیزی انجام میدادند ولی اکنون و با وخامت اوضاع رژیم در روز روشن خود را برای طرح های غرب و سلطه انحصارات (و نئولیبرالیسم آنها) آماده خدمت می سازند. میتوان پرسید که چرا خرده بورژوازی ایرانی و بومی چنین عقب مانده و پاندولی است. پاسخ را احتمالاً بتوان از زبان مارکس (نبردهای طبقاتی در فرانسه) گفت که حتی توسعه پرولتاریای صنعتی را تابع توسعه یافتگی بورژوازی صنعتی میدانند. بالطبع در جوامع

اسف باری اوضاع اقتصادی که خود را در تصاویر فقر و بیکاری و درماندگی زحمتکشان و درماندگی عمومی از تحصیل معاش نشان میدهد عینیتی روشن و غیر قابل انکار است. در چنین بحرانی که حتی پایوران در جهه یک نظام تروریستی حاکم در صدد یافتن پناهگاه و ارسال و انتقال ثروت خود هستند (انتقال بیش از دو میلیارد و در ظرف دو ماه گذشته) مجدداً برخی در صدد تجدید عهد خود در پادوئی سرمایه و نجات شکل بندی اقتصادی کنونی بر آمده اند. پادوهای سرمایه داری از نوع پیرامونی و گندیده در داخل و خارج از چهار چوب بربریت کنونی (جمهوری اسلامی ایران) تلاش های خود را این بار حول محور دموکراسی آیکی و سکیولاریسم و عدالت اجتماعی هم جنس آن دو چندان نموده اند. این ها خواهان تداوم بربریت کنونی در تصاویر و شکل بندی های مختلف ولی هم جنس هستند. هر دو دوسته این بار با دفاع مستقیم از نئولیبرالیسم خانمان برانداز، پادوهای بانک جهانی و ارباب انحصارات شده اند. بخشی از این نرم تنان شرمنده، همان فرصت طلبان هستند که زمانی خود را در صفوف چپ و اغلب در جوار چریکهای فدائی خلق جا زدند و اکنون در خدمت ارباب سرمایه به مدت چهار دهه است که از نوکری برای سیاست های مسکو به کار چاق کنی برای واشینگتن رسیده اند! اگر شامورتی قبلی (اتحاد جمهوری خواهان) جواب نداد به فکر تبدیل تابلو به حزب چپ رسیدند و طبق فرمول رهبر رسوایی خود (نگهدار) منتظر پیوستن بخش توده ای ها نشسته اند. در لباس سوسیال دموکراسی ترانه ای از چپ می خوانند ولی شنوندگان آنها همان اعضاء باشگاه سالمندان شرمنده قبلی هستند. دست در دست اصلاح طلبان مجموعه تروریستی حاکم بر ایران و برای نجات سازه بربریت کنونی خود را جمع و جور می کنند تا به پیشواز برآمد اجتماعی در راه و قیام مردم ایران روند. اگر زمانی چهره واقعی خود را نشان داده و سراسیمه از دور و بر سازمانی بنام چریکهای فدائی خلق ایران گریخته و به قلعه سنگ باران سیاست های مسکو آویزان شدند، امروز اما که با سر به استقبال طرح های انحصارات برای گرفتن نمایندگی نئولیبرالها در میهن رفته اند.

عقب مانده و پیرامون، طبقات اجتماعی نیز به علت پروسه ناپایدار و وابسته به نیازهای سرمایه متروپول و جذرومدهای جوامع شمال، غالباً فاقد ویژگی های تاریخی و سیاسی اجتماعی لازم هستند و به سهولت رنگ عوض می کنند. مثلاً سلطنت طلبان زیادی که زیر نقاب جمهوری خواهی میروند ولی هدف اصلی همان حفظ نظم پوسیده قبلی و فعلی است! بورژوازی ابن الوقت ایرانی تولید خرده بورژوازی هم جنس و غیر تاریخی کرده که حتی ضرورت دفاع از آزادی های فردی شهروندی را ارج نمی گذارد و نگذاشت! چپ خرده بورژوا در این جامعه ناپایدار اگر چه در جوانی خودی نشان میدهد و علم سوسیالیستی بدوش می کشد ولی در میان سالگی و سپس که به اصل خود باز می گردد و زیر بیرق و بلیط هارتربن نحله انحصارات امپریالیستی حزب چپ می سازد تا در فردای شورش تهی دستان و آزادی خواهان کالای قلب ارباب سرمایه را به مردم حقنه کند. که صفوف انقلابیون چپ در ایران و طی یک صد و اندی سال گذشته همواره باید منتظر اوضاع نبرد مرگ و زندگی شود تا صفوف خود را از نخاله های ابن الوقت و قهرمانان قلبی پاک نماید. اکنون نیز مسئولیت انقلابیون چپ است که پرچم دروغین دموکراسی خواهی را از دست این ورشکستگان به تقصیر سیاسی خارج نماید و چهره واقعی پادوهای سرمایه و ارتجاع را به مردم نشان دهند. که جای بزهکاران و همدستان رژیم بربریت دادگاه های صالحه و رسیدگی کننده به جرائم مسلم و مردم فروشی آنان است. من معتقدم که سر نوشت همکاران و متحدین سیاسی جمهوری اسلامی و به ویژه رهبران مردم فروش آنان مستقیماً به آینده سران رژیم اسلامی دارد. این بزهکاران در سرنگونی رژیم و از طریق قهر مردم بجان آمده همراه پایوران جمهوری اسلامی در خارج از مرزهای میهن ماندگار خواهند شد. در این تصویر و تحلیل است که کلیه فرصت طلبان و همدستان چپ و راست رژیم تلاش حداکثری دارند تا رژیم اسلامی از طریق دست عوض کردن تحویل بخشی از بورژوازی مال باخته یا خارج از قدرت گردد و یا از طریق Regim Change مقهور طرح امپریالیستی و مهندسی تغییر سیاسی در ایران شود.

ایران در تب و تاب شرایط تغییرات بنیادی که پایه های رژیم بربریت را لرزاندن بستر میبرد. این شرایط انقلابی فاصله چندان با موقعیت انقلابی ضروری سرنگونی نظام اسلامی ندارد. تجمعات دست ساز و تلاش های اردوی راست و حامیان سرمایه و نوکران نئو لیبرال ها در تصاویرگاه متضاد سر هم بندی میشود تا نمایندگان و کار چاق کن های انحصارات خود

و طبقه پوسیده خود را آماده رویارویی با شرایط سقوط رژیم نماید و منتظر ارائه چهارچوب مطلوب سیاسی از سوی ارباب! آیا چپ انقلابی و ضد سیستمی توان بسیج و وصل جنبش های مطرح کنونی را جهت رهبری برآمد اجتماعی این اوضاع اسف بار دارد. آیا در برآمد اجتماعی ما آمادگی تشکیلاتی برای پاسخ به مسئله آلترناتیو اجتماعی، دموکرات و لائیک و ضد مناسبات مسلط کنونی را داریم. گوئی دروازه ای بروی امکانات و اوضاع بهم ریخته کشوری باز میشود که میتواند دوست و دشمن مردم را با ماسک های متفاوت و فریب دهنده به داخل راه دهد. در آن اوضاع پیچیده اما که و مجدداً امکانات و اندیشه سازی تبلیغاتی و بسیج عمومی حرف نخست را خواهد زد! آیا ما بار دیگر و این بار تحت سناریوی دموکراسی خواهی همدستان شیخ مبارزه را دوباره به پادوهای رنگارنگ سرمایه و انحصارات چهره ساز نمی بازیم. من باور دارم که برای آچمز نشدن مجدد در چنین ورطه ای، همگرایی نیروهای انقلابی ضروری و سازماندهی فرآیند تبلیغی تشکیلاتی در کمیته های مخفی - علنی و سراسری یک اصل است که انقلابیون خارج از مرز های ایران مسئولیت خطیری در لحظه کنونی در این راستا دارند. آنچه که در جریان انقلاب ضد استبدادی و برای آزادی در سال ۵۷ شکست خورد، خود انقلاب ستمدیدگان و آزادی خواهان نبود و با وام گیری مجدد از مارکس باید نوشت که آنچه در قیام بهمین از پا در آمد انقلاب نبود بلکه جریان های پیش انقلابی بود که نتیجه شرایط اجتماعی (عقب ماندگی چپ از رویداد ها) معینی بودند. که توهمات و طرح های نارس بودند که شکست خوردند و انقلاب بار دیگر و این بار در مقام و سطحی بالاتر از راه رسیده است.

